



The sacred composition in the school of Martyr Sayad Shirazi

Valivand Zamani, Hossein^{1✉} |

1. Corresponding Author. I.R.I Army Command and Staff University, Tehran, Iran. Email: dfsrcasu1401@chmail.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 31 December

2023

Received in revised form

09 January 2024

Accepted 19 February

2024

Published online

19 March 2024

ABSTRACT

Military ideas have gradually emerged since the beginning of mankind, and theories have provided a general insight into military issues, including war, peace, tactics, operations, etc. Holy Defense is a valuable treasure for generating useful and practical opinions that should never be forgotten. Therefore, it is possible to transform the valuable experiences of holy defense into military theories and use them in teaching, research and research to the new generation, especially to the army and armed forces. Because definitely, the knowledge and familiarity of the commanders of the future generation with traditional and modern theories and doctrines of war and awareness of the dimensions, indicators and indicators of war will lead to great success for them in the action scene. The opinions, opinions and military thoughts of Lieutenant General Martyr Ali Sayadshirazi can be checked and studied with regard to the important achievements of the sacred defense period.

Keywords: *holy defense,*

Shahid Sayad Shirazi,

school of Shahid Sayad

Shirazi.

Cite this article: Valivand Zamani, H, (2024). The sacred composition in the school of Martyr Sayad Shirazi. *Warfare study Quarterly*, 5 (19), 26-44.

DOI:<http://doi.org/10.22034/QJWS.2024.2024564.1198>



© The Author(s) **Publisher:** AJA Command and Staff University

DOI: [10.22034/QJWS.2024.2024564.1198](https://doi.org/10.22034/QJWS.2024.2024564.1198)



ترکیب مقدس در مکتب شهید صیاد شیرازی

حسین ولی‌وند زمانی^۱ |✉

۱. نویسنده مسئول، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، رایانامه:

dfsrcasu1401@chmail.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

اندیشه‌های نظامی از پیدایش بشر به تدریج به وجود آمده و نظریه‌ها به ارائه بینش کلی از مسائل نظامی اعم از جنگ، صلح، تاکتیک، عملیات و ... پرداخته‌اند. دفاع مقدس گنجینه ارزشمندی برای تولید نظرات مفید و کاربردی است که هرگز نباید به فراموشی سپرده شود. از این رو می‌توان تجربیات ارزشمند دفاع مقدس را به نظریه‌های نظامی تبدیل و در امر تدریس، تحقیق و پژوهش به نسل جدید و به‌خصوص به ارتش و نیروهای مسلح مورد استفاده قرارداد. زیرا به‌طور قطع، دانش و آشنایی فرماندهان نسل آینده با نظریه‌ها و آموزه‌های سنتی و مدرن جنگ و آگاهی از ابعاد، شاخص‌ها و نشانگرهای جنگ، در صحنه عمل موفقیت‌های شایانی را برای آنها در پی خواهد داشت. نظرات، آراء و اندیشه‌های نظامی سپهبد شهید علی صیادشیرازی با عنایت به دستاوردهای مهم دوران دفاع مقدس، قابل بررسی و مذاقه است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۱۹

کلیدواژه‌ها:

دفاع مقدس،

شهید صیاد شیرازی،

مکتب شهید صیاد شیرازی

استناد: ولی‌وند زمانی، حسین، (۱۴۰۲). ترکیب مقدس در مکتب شهید صیاد شیرازی، فصلنامه مطالعات جنگ، ۵ (۱۹)، ۴۴-۲۶.

DOI: <http://doi.org/10.22034/QJWS.2024.2024564.1198>

ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

© نویسندگان.



DOI: 10.22034/QJWS.2024.2024564.1198

مقدمه

۱ روند جنگ در سال اول و دستاوردهای آن

در سال اول جنگ (از مهرماه ۱۳۵۹ تا مهرماه ۱۳۶۰)، تغییر شرایط و افزایش توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به صورت تدریجی و با آهنگی کند انجام می‌گرفت، لذا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ در مقایسه با قدرت رزمی متجاوز آن توانایی را از نظر کمی نیروهای مانوری نداشتند که بتوانند ضربات سختی بر پیکر ارتش متجاوز عراق وارد سازند و ناگزیر برای فرسایش دشمن به تکه‌هایی برای وصول به اهداف محدود اکتفا کردند؛ که مهم‌ترین آن‌ها عملیات تصرف میمک در ایلام و الله‌اکبر برای اشغال تپه‌های الله‌اکبر و آزادسازی مناطق اشغالی غرب سوسنگرد بود که در آخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰ اجرا گردید.

۲ آمادگی نسبی برای تعرض متقابل

در شش‌ماهه اول سال ۱۳۶۰ مراحل تعرض متقابل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به تناوب و در مناطق مختلف جبهه‌ها به صورت تکه‌های محدود و محلی اجرا گردید؛ که اکثر آن‌ها با موفقیت قاطع یا نسبی همراه بود و همین حملات محدود در شناخت و ارزیابی توان رزمی دشمن کمک شایان توجهی به نیروهای ایرانی کرد و اعتماد به نفس زیادی به مسئولین جنگ و فرماندهان عملیات نظامی داد و نیز آمادگی روانی کافی برای قبول تشدید مبارزه و دفع و سرکوب تجاوز را ایجاد کرد و این عامل روانی سازش‌ناپذیری توأم با حرکت همه‌جانبه ملت ایران برای پشتیبانی از جنگ، انگیزه اساسی تهیه و اجرای طرح‌های آفندی وسیع‌تر گردید که اولین یورش نتیجه‌بخش، عملیات ثامن‌الائمه و عقب راندن نیروهای متجاوز عراق از شرق کارون و شکستن محاصره آبادان بود.

۳ شکست محاصره آبادان در آغاز سال دوم جنگ

فرمان امام خمینی (ره) در چهاردهم آبان ماه ۱۳۵۹ عبارت بود از اینکه «حصر آبادان باید شکسته شود» این فرمان علاوه بر جنبه راهبردی نظامی، جنبه تکلیف شرعی و مکتبی نیز پیدا کرد.

از سوی دیگر موفقیت‌های اولیه عراق و انعکاس تبلیغی جهانی آن در صحنه‌های بین‌المللی، از نظر سیاسی نیز اهمیت خاصی یافته بود. در نتیجه علی‌رغم موفقیت نیروهای مسلح ایران در تثبیت متجاوز و زمین‌گیر کردن آن می‌توان گفت که مسئله شکست

محاصره آبادان را از سه جنبه نظامی، سیاسی و عقیدتی، حیثیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را به محک آزمون سپرده بود.

در مردادماه سال ۱۳۶۰ عزل فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری (بنی‌صدر) و انتخاب شهید رجایی به سمت رئیس‌جمهور و انتصاب شهید سرلشکر فلاحی به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا موجب تغییراتی در مسائل جنگ گردید که از جمله آن فعال‌تر شدن سپاه پاسداران در صحنه‌های عملیات بود. به هر صورت طرح‌ریزی عملیات آفندی نیروی زمینی در منطقه ماهشهر آبادان در شرایط جدید سیاسی و نظامی که بعد از برکناری بنی‌صدر پیش‌آمده بود، سرعت بیشتری گرفت و در اواسط شهریورماه ۱۳۶۰ در کارهای ستادی و آمادگی یگان‌ها جهت اجرای آن، قدم‌های اساسی برداشته شد. در ۱۵ شهریورماه این طرح به نام «طرح عملیاتی ثامن‌الائمه» تکمیل و در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۱۳۶۰ جهت اجرا از سوی ستاد مشترک ارتش به نیروی زمینی و لشکر ۷۷ پیاده خراسان و سایر یگان‌ها و قرارگاه‌های شرکت‌کننده، ابلاغ گردید.

سرانجام عملیات شکست سرپل دشمن در شرق کارون طبق برنامه پیش‌بینی‌شده در نیمه‌شب روز پنجم مهرماه ۱۳۶۰ تحت پوشش تاریکی شروع شد و بعد از دو روز نبرد نفس‌گیر، تیپ ۲ لشکر ۷۷ خراسان در ساعت ۱۸۲۰ روز ششم مهرماه با انهدام آخرین مقاومت‌های دشمن، گزارش موفقیت را بدین شرح ارسال و از طریق لشکر به قرارگاه نیروی زمینی و ستاد مشترک ارتش اعلام گردید:

«به‌طورکلی تأمین پل‌ها و شرق کارون برقرار گردید و مأموریت به‌طور کامل اجرا شد». بدین گونه عملیات ثامن‌الائمه بعد از ۴۲ ساعت تلاش مداوم سربازان لشکر ۷۷ پیاده و رزمندگان داوطلب سپاه پاسداران و نیروهای مردمی با موفقیت کامل به پایان رسید و نیروهای دشمن در منطقه عملیات شرق رودخانه منهدم و بدین ترتیب، پس از حدود یک سال، جزیره آبادان از محاصره خارج و تهدید دشمن در شرق کارون و جزیره آبادان به کلی از میان رفت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به اولین موفقیت بزرگ و سرنوشت‌ساز خود در طول جنگ تحمیلی دست یافتند که این خود سرآغازی برای موفقیت‌های مهم دیگر در عملیات طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس گردید.

متن پیام حضرت امام خمینی (ره) پس از پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه:

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد و جناب آقای محسن رضایی

ایدهم الله تعالی؛

تلگرام شما در خصوص فتحی بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، ژاندارمری، فداییان اسلام و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره آبادان به طور کامل شکسته شده است، واصل گردید. این جانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمام نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می گویم و امید است این سرفرازی‌ها را که برای اسلام و میهن فراهم می‌کنند، منظور نظر مبارک ولی الله بقیة الله ارواحنا له الفداء باشد و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین‌های میهنمان است، ملت شریف به زودی مشاهده کنند، این جانب به اسم ملت بزرگ ایران، از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح، ایدهم الله تعالی، تقدیر و تشکر می‌کنم، از خداوند متعال توفیق نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و به خصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم؛ روح الله الموسوی الخمینی؛ ششم مهرماه ۱۳۶۰

۴ سانحه سقوط هواپیمای حامل فرماندهان

پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات ثامن الائمه در ۷ مهرماه ۱۳۵۹، گروهی از فرماندهان عالی رتبه نظامی از جمله سرتیپ فلاحی ریاست ستاد مشترک ارتش که پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، اختیارات فرماندهی کل نیروهای مسلح هم از سوی امام(ره) به وی تفویض شده بود، سرهنگ خلبان جواد فکوری مشاور هوایی رئیس ستاد مشترک، سرهنگ موسی نامجو وزیر دفاع و هم‌چنین سرهنگ دوم زرهی یوسف کلاهدوز، قائم مقام فرمانده کل سپاه پاسداران و برادر پاسدار محمد جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر که برای ارائه گزارش عملیات ثامن الائمه به محضر امام خمینی(ه) با یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش که پیکر ۳۲ تن از شهدا و ۲۷ مجروح این عملیات و ۴۰ سرنشین دیگر را نیز حمل می‌کرد، از فرودگاه اهواز عازم تهران شدند.

قرار بود که مقامات یادشده با یک فروند هواپیمای فرماندهی ویژه توربوکماند به تهران پرواز کنند، ولی چون هواپیمای مذکور دچار نقص فنی شده بود و فرماندهان نیز عجله داشتند که هرچه زودتر به محضر امام(ره) برسند، لذا ترجیح دادند که از هواپیمای ترابری

یادشده استفاده کنند. به علت حساسیت وضعیت منطقه، سرتیپ ظهیرنژاد؛ فرمانده نیروی زمینی ترجیح داده بود کماکان در منطقه عملیاتی باقی بماند.

هواپیمای سی-۱۳۰ حدود ساعت ۶ بعدازظهر فرودگاه اهواز را به قصد تهران ترک کرد ولی شوربختانه در ۱۰ مایلی فرودگاه مهرآباد و درحالی که خلبان هواپیما قصد داشت باکم کردن ارتفاع، هواپیما را آماده فرود و نشستن در باند فرودگاه مهرآباد کند، ناگاه و به طور غیرمنتظره، هر چهار موتور هواپیما به طور همزمان به دلیل نامشخصی از کار افتاد و برق هواپیما به طور کامل قطع گردید. خلبانان و خدمه پرواز کوشیدند تا هواپیما را در زمین همواری فرود آورند و موفق شدند چرخ‌های هواپیما را با سامانه‌های دستی تا حد زیادی باز کنند. خلبان بامهارت هواپیمای خاموش را هدایت کرده و در زمین همواری در منطقه کهریزک روی زمین نشانده؛ اما قبل از آن که هواپیما به طور کامل توقف کند، یکی از چرخ‌های هواپیما به یک تل خاک برخورد کرد و هواپیما به سمت چپ کج و منحرف گردیده و بال این سمت به زمین اصابت نموده، کنده شد و هواپیما آتش گرفت. در این حادثه ۲۹ نفر از سرنشینان هواپیما به شهادت رسیدند، از جمله سرتیپ ولی‌الله فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش، سرهنگ فکوری مشاور هوایی رئیس ستاد مشترک، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، سرهنگ دوم یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده کل سپاه و محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر. برخی از سرنشینان هواپیما از جمله خلبان و کمک خلبان و یک فیلم‌بردار و چند نفر دیگر از سرنشینان زنده ماندند.

انتصاب فرماندهان جدید در ارتش

مرحوم هاشمی رفسنجانی در کتاب کارنامه و خاطرات خود به نام عبور از بحران (۱۳۶۰) در یادداشت روز ۹ مهرماه ۱۳۶۰ چنین می‌نویسد:

«امروز در منزل آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم که جانشین‌های سران ارتش را که در سانحه هواپیما شهید شده‌اند تعیین کنیم. تیمسار ظهیرنژاد هم شرکت داشتند، آقایان موسوی اردبیلی، احمد آقا و مهدوی کنی هم بودند. آقای ظهیرنژاد وضع جبهه‌ها و طرح‌های آینده جنگ را گفت، به ایشان پیشنهاد ریاست ستاد شد، راضی نبود و نوعی حذف تلقی می‌کرد و معتقد بود در نیروی زمینی نقش بهتری دارد و در ستاد نیرویش را کد است. ولی نظر ایشان پذیرفته نشد. برای ستاد، دولت‌مردان نظامی لازم است. سرانجام ایشان ریاست ستاد مشترک و آقای صیادشیرازی فرمانده نیروی

زمینی شدند. مسئله هماهنگی سپاه و ارتش در انتصاب آقای صیاد نقش داشت. اختلاف این دونیرو برای جنگ بسیار ضرر دارد و هماهنگی شان کارساز است. سرهنگ محمد سلیمی به عنوان وزیر دفاع معین شدند و احکام لازم تهیه شد و امام امروز حکمها را صادر کردند و نخست وزیر، آقای سلیمی را به شورای ریاست جمهوری پیشنهاد کرد.» (رفسنجانی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۹)

اواخر روز ۹ مهرماه سرهنگ علی صیادشیرازی که در محور بوکان - سقز درگیر برقراری امنیت و پاک سازی محور از وجود ضدانقلاب بود در بوکان حکم انتصاب خود را دریافت کرد و فردای آن روز از طریق ارومیه با هواپیما عازم تهران شد و در قرارگاه فرماندهی نیروی زمینی حضور یافت و زمام امور این نیرو را به عهده گرفت.

کمتر از یک ماه پیش از این حادثه، آقای محسن رضایی مسئول اطلاعات سپاه به عنوان فرمانده کل سپاه از سوی شورای عالی فرماندهی سپاه انتخاب و به محضر امام(ره) پیشنهاد شده بود که با تصویب امام در این سمت منصوب شد و نامبرده در صدد سازمان دهی جدیدی برای سپاه و به خصوص شرکت فعال این نهاد در جنگ با عراق برآمد. بهر حال، انتصاب سرهنگ صیادشیرازی (سپهبد شهید) در جایگاه فرماندهی نیروی زمینی ارتش، موجب تحولات و تغییرات شگرفی در همکاری این دو سازمان و گسترش روابط عملیاتی ارتش و سپاه گردید و در واقع می توان گفت که دوران جدیدی در دکترین نظامی جمهوری اسلامی از نظر مدیریت، روابط فرماندهی و همکاری ارتش با سپاه آغاز شد.

پیروزی در عملیات ثامن الائمه زمینه تغییر استراتژی جنگ باهدف آزادسازی مناطق اشغالی را فراهم کرد. بعد از پاک سازی شرق کارون، هنوز سه منطقه دیگر در اشغال دشمن بود. غرب رودخانه کارون و شهر خرمشهر، منطقه بستان و سوسنگرد و منطقه غرب رودخانه کرخه، هر سه منطقه از نظر وسعت، هدف و گسترش و استعداد نیروهای دشمن دارای موقعیت های تقریباً مشابهی بودند که در نهایت با توجه به توانایی و امکانات نیروهای خودی، منطقه بستان و سوسنگرد برای عملیات انتخاب شد. این عملیات که از سوی امام «فتح الفتوح» نام گرفت، تجربه موفقیت آمیزی را از مشارکت مردم در جنگ به نمایش گذاشت؛ مشارکت گسترده ای که از دید مقامات آمریکایی و غربی هم پنهان نماند. «ویلیام اف هیکن» افسر عالی رتبه نیروی دریایی آمریکا در این باره گفت: در این عملیات

که ایرانی‌ها آن را طریق‌القدس نام‌گذاری کرده‌اند یک تغییر استراتژی عمده به چشم می‌خورد. ایرانی‌ها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و سرمایه‌گذاری بر روی احساسات آن‌ها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده‌اند. (راستاد، میثم؛ سیدصباح موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۳۰)

در پنجمین روز از آغاز جنگ، شهر بستان سقوط کرد. عراقی‌ها وارد شهر شدند و به غارت خانه‌های مردم پرداختند؛ اما ۵ روز بعد رزمندگان ایرانی به فرماندهی علی غیور اصلی بعثی‌ها را مجبور به عقب‌نشینی از شهر کردند. مردم بستان به خانه‌هایشان بازگشتند، اما بیشتر وسایل و احشامشان نبود. از روز چهاردهم مهر، بعثی‌ها مجدد بستان را هدف قرار دادند و مهیای اشغال دوباره این شهر شدند. بامداد روز بیستم مهر، دشمن حرکت خود را برای تسخیر شهر بستان با دو تیپ زرهی آغاز کرد. سپاه خوزستان استعداد نیروهای دشمن را حدود ۵۰ تانک و ۴۰ خودرو گزارش داد. (عساکره، ۱۳۹۸، ص. ۹۸)

نگاه نو

مرحله جدیدی در جنگ - عملیات تهاجمی بزرگ - نظریه ترکیب مقدس

طرحریزی عملیات طریق‌القدس

عملیات طریق‌القدس که دومین عملیات آفندی بزرگ نیروهای مسلح ایران در سال دوم جنگ پس از اجرای نبرد ثامن‌الائمه (ع) به شمار می‌آید، به فاصله دو ماه پس‌از آن در جبهه میانی خوزستان در منطقه عمومی سوسنگرد (بستان) به فرماندهی سرهنگ صیادشیرازی و آقای محسن رضایی به مرحله اجرا درآمد. (حسنی‌سعدی، ۱۳۹۹، ص.

(۱۱۷)

سرهنگ صیادشیرازی که از حمایت و اعتماد کامل امام خمینی (ه)، ریاست جمهوری و روحانیت برخوردار بود و برای برقراری امنیت در مناطق آشوب‌زده شمال غرب کشور تلاش فراوان کرده و با سپاه پاسداران همکاری نزدیک و بسیار صمیمانه داشت با قدرت و اعتمادبه‌نفس، فرماندهی نیروی زمینی را به دست گرفت و بلافاصله تغییراتی در کادر بالای عناصر ستادی و فرماندهی نیروی زمینی به عمل آورد. چهره‌های جدید و جوان‌تری جایگزین شدند، فرمانده جدید نیروی زمینی چند روز پس از انتصاب، از قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب که محل آن انبار کارخانه لاستیک‌سازی دزفول بود، بازدید

کوتاهی به عمل آورد و دستور داد که قرارگاه فوق سریعاً از این محل به اهواز تغییر مکان داده شود، به اعتقاد وی نزدیک بودن قرارگاه فرماندهی به یگان‌های در خط، علاوه بر بالا بردن روحیه رزمندگان، سبب می‌گردید که فرمانده بتواند اطلاعات دقیق‌تری از جبهه و وضعیت‌های رزمی داشته و ارتباط نزدیک‌تری هم با رزمندگان ایجاد نماید. فرماندهی نیروی زمینی در این بازدید اعلام نمود که از این به بعد، عملیات با مشارکت کامل سپاه پاسداران از مرحله طرح‌ریزی تا اجرا خواهد بود و سپاه پاسداران با بسیج نیروهای مردمی قادر به تهیه نیروی موردنیاز برای اجرای عملیات آفندی وسیع هست. لذا با تهیه توان رزمی کافی که از مشارکت نیروهای مردمی و ارتش حاصل می‌شود، اجرای عملیات آفندی وسیع و قاطع علیه دشمن امکان‌پذیر می‌گردد. او سپس از قرارگاه مقدم خواست که طرح‌ها و نظرات خود را در زمینه اجرای عملیات آفندی وسیع در منطقه خوزستان به وی ارائه نمایند. قرارگاه جنوب به‌عنوان یک راه‌کار کلی، عملیات در مناطق غرب دزفول و یا غرب سوسنگرد را پیشنهاد نمود که در حقیقت بر مبنای نظرات و طرح‌های تهیه‌شده قبلی آن قرارگاه، فقط این بار استفاده از نیروهای بیشتری از نیروهای پیاده سبک بسیجی و سپاه پاسداران را در برداشت.

فرمانده نیروی زمینی پس از مراجعت به تهران، بلافاصله دو نفر از افسران بخش عملیات قرارگاه مقدم را به تهران احضار و تدبیر کلی خود را مبنی بر اجرای عملیات تهاجمی گسترده در منطقه غرب دزفول و یا بستان اعلام نمود که در حقیقت تصویب همان پیشنهادهای کلی ارائه‌شده بود و دستور داد که طرح عملیات آفندی مناطق یادشده، سریعاً تهیه شود.

بر مبنای تدبیر اعلام‌شده فرمانده نیرو، پیش‌نویس یک طرح کلی تهیه گردید که در آن دو مرحله عملیات، پیش‌بینی که در ابتدا یک تک سریع در جبهه دزفول و پس‌از آن تک در جبهه بستان منظور شده بود. معاون هماهنگ‌کننده وقت نیروی زمینی، سرهنگ ستاد حسین خرسندی، پس از ملاحظه طرح فوق پیشنهاد کرد که بهتر است ابتدا عملیات در محور بستان انجام گیرد و بعد در جبهه دزفول. بالاخره در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲۱ پیش‌نویس طرح یادشده با این تغییر که حمله در محور بستان در مرحله یکم عملیات باشد، به‌عنوان دستور و مبنای کار طرح‌ریزی به قرارگاه مقدم جنوب ابلاغ گردید. ولی قبل از آن‌که اقدامی در این زمینه صورت گیرد بنا به تدبیر فرمانده نیروی زمینی، تقریباً کلیه افسران

قرارگاه مزبور تعویض شده و کارکنان جدیدی که توسط نامبرده انتخاب شده بودند، جایگزین گردیدند و محل قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب نیز از دزفول به یکی از ساختمان‌های کارخانه ذوب‌آهن اهواز نقل مکان داده شد.

اکثر افسران عملیات این قرارگاه توسط فرمانده جدید نیروی زمینی از استادان دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) انتخاب شده و رسته غالب آنان نیز توپخانه بود.

بر مبنای تدبیر کلی و طرح ابلاغی مبنی بر اجرای عملیات در منطقه عمومی بستان، بررسی‌های مقدماتی آغاز شد و یکبار دیگر این که عملیات ابتدا در جبهه دزفول یا جبهه بستان و یا اصولاً توأم باشند، به طور اساسی و دقیق در دست بررسی قرار گرفت. مباحثات فراوانی در این زمینه به عمل آمد و سرانجام تقدم عمل در جبهه میانی یعنی غرب سوسنگرد و بستان مورد توافق قرار گرفت و فرم کلی مانور به صورت تک در شمال رودخانه کرخه (دشت آزادگان) برای تأمین بستان و تک در جنوب کرخه (دشت آزادگان) برای تأمین مناطق غرب سوسنگرد تا کناره شرقی هورالعظیم تعیین شد.

دلیل عمده برای تقدم اجرای عملیات در منطقه جبهه میانی عبارت بود از:

۱) قطع ارتباط شمال منطقه اشغالی دشمن یعنی منطقه دزفول با جنوب منطقه اشغالی او در غرب رودخانه کارون بود زیرا قطع پیوستگی و ارتباط جبهه‌های شمالی و جنوبی دشمن در خوزستان سبب می‌شد که در عملیات آینده در خوزستان، دشمن نتواند از یکی از این دو جبهه به نفع جبهه دیگر، نیروهای آزاد خود را برداشت نماید.

۲) صرفه‌جویی در قوا که در طرح‌ریزی این عملیات اساسی‌ترین عامل انتخاب این منطقه نبرد بود، به این معنی که در صورت کسب پیروزی و بازپس‌گیری منطقه طرح‌ریزی شده، با استفاده از موانع طبیعی منطقه مانند تنگ چزابه، ساحل شرقی هورالعظیم و کرانه رودخانه نیسان، پدافندی مطمئن با نیرویی به استعداد یک لشکر امکان‌پذیر می‌گردید و ۲ لشکر زرهی مستقر در این منطقه (لشکرهای زرهی ۱۶ و ۹۲)، به‌منظور کاربرد در سایر مناطق آزاد می‌شدند. همچنین انهدام نیرو و کاهش توان رزمی متجاوز در این جبهه مورد نظر قرار داشت، هم‌چنین برآورد گردید که در صورت موفقیت، نیروهای خودی و انهدام حداقل ۳ تیپ دشمن، از توان رزمی دشمن کاسته خواهد شد.

۳) با بهره‌برداری‌های سیاسی، تبلیغاتی، روانی و نظامی علیه رژیم متجاوز عراق آزادسازی بستان به‌عنوان یک عامل عمده مطرح گردید.

۴) آزادسازی بستان به نسبت سایر شهرهای اشغال شده مانند خرمشهر و هویزه آسان تر بود و تحت عنوان آزادسازی یک شهر، توانمندی نیروهای ما در بازپس گیری شهرها از دشمن را منعکس می کرد.

۵) تهییج افکار عمومی که باعث جلب اعتماد آنان به قدرت نیروهای مسلح در دفع تجاوز می شد. از دلایل عمده ای که سبب انتخاب جبهه میانی مقدم بر عملیات در جبهه شمال یا جنوبی بود.

۶) کسب تجربه عملیاتی و آماده سازی نیروهای خودی برای عملیات بزرگ تر، بدین معنی که عملیات در منطقه جبهه میانی، به نسبت عمل در جبهه شمالی یا جنوبی در مقیاس و ابعاد خیلی کوچک تر صورت می گرفت؛ بنابراین کار طرح ریزی و هدایت عملیات و کنترل نیروها ساده تر بود و فرمانده و ستاد جدید، یک باره خود را درگیر عملیات در مناطق وسیعی مانند غرب کرخه یا کارون نمی کردند. بلکه ابتدا با کسب تجارب رزمی، آمادگی بیشتری برای طرح ریزی، هدایت و کنترل عملیات در مناطق وسیع تر و بزرگ تر پیدا می کردند.

شایان ذکر است که تا این مرحله از جلسات بحث و شور ستادی، فردی از سپاه پاسداران حضور نداشت و منحصرأ کارکنان قرارگاه مقدم نیروی زمینی شرکت می کردند؛ اما فرمانده نیروی زمینی شخصاً در جلسات بحث و بررسی سپاه که در باشگاه گلف اهواز برپا می شد، شرکت می کرد و نظرات قرارگاه مقدم نیروی زمینی را به آنان منعکس می کرد و یا در ارائه تدابیر خود به قرارگاه مقدم نظرات آنان را لحاظ می کرد.

در جلسات شور ستادی که با حضور فرماندهی نیروی زمینی تشکیل شد. افسران قرارگاه مقدم نزاچه نتیجه بررسی های خود را به اطلاع فرمانده نیروی رسانده و راه کار نهایی خود را به شرح زیر پیشنهاد نمودند:

- ۱) تقدم اجرای عملیات در منطقه جنوب به منطقه جبهه میانی خوزستان داده شود.
- ۲) لشکر ۱۶ زرهی با در اختیار گرفتن تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ خوزستان و یگان های سپاه پاسداران در منطقه شمال و جنوب کرخه تک نموده، بستان و مناطق غربی سوسنگرد را آزاد نماید. سپس با اتکا به موانع طبیعی منطقه مانند نهرهای نیسان و کرانه شرقی هورالعظیم و زمین های رملی شمال بستان، در منطقه پدافند نماید. (تدبیر کلی عملیات)

با واگذاری این مأموریت به لشکر ۱۶ زرهی، مسئولیت طرح‌ریزی، اجرا و هدایت عملیات با لشکر مزبور بود و قرارگاه مقدم نقش نظارت و کنترل کلی بر عملیات یگان‌های ارتشی و سپاه پاسداران را عهده‌دار می‌شد.

این پیشنهاد مورد قبول فرمانده نیروی زمینی واقع گردید و قرار شد به همین نحو هم مأموریت به لشکر ۱۶ زرهی ابلاغ گردد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که قرارگاه فرماندهی خود را در باشگاه گلف اهواز قرار داده بود، توسط فرمانده نیرو در جریان امر قرار داده شد و کار بررسی طرح‌ها و تهیه مقدمات و آماده شدن برای عملیات به‌طور مشترک آغاز گردید. در این زمان گسترش تیپ‌های لشکر ۱۶ زرهی به‌این‌ترتیب بود که تیپ ۱ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد که در کنترل عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی بود، در ۷ تا ۸ کیلومتری غرب سوسنگرد و در حدفاصل رودخانه‌های نیسان و کرخه گسترش پدافندی داشتند و تیپ ۳ زرهی نیز در منطقه طراح در شمال کرخه‌کور در مواضع پدافندی مستقر بود. تقاضای لشکر ۱۶ زرهی این بود که تیپ ۵۵ پیاده هوابرد با تیپ ۲ زرهی که در اختیار نیروی زمینی و در منطقه رقابیه مستقر بود، تعویض گردد. تا به‌اصطلاح کلیه یگان‌های لشکر در این عملیات همپا (هم‌تراز و با تحرک مساوی) باشند، قرارگاه مقدم نیروی زمینی با درخواست مزبور موافقت نمود تا ابتکار و آزادی عمل را از لشکر فوق سلب نکرده باشد و در ضمن با وارد شدن یگان‌های پیاده سپاه پاسداران در کنار رزمندگان ارتش، کمبودی از لحاظ پیاده‌نظام در منطقه به وجود نمی‌آمد، به‌رحال دستور تعویض تیپ‌های یادشده صادر گردید و تیپ ۲ زرهی به منطقه غرب سوسنگرد تغییر مکان یافت و در عوض، تیپ ۵۵ هوابرد در منطقه شمالی تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ مستقر گردید. از این زمان به بعد به‌منظور بررسی‌های بیشتر و توسعه اطلاعات و همچنین انجام هماهنگی‌های لازم با سپاه پاسداران، جلسات شور ستادی متعددی تشکیل گردید و مسائل عملیاتی موردبحث و مذاکره و تبادل نظر قرار گرفت. در شروع هر جلسه ابتدا فرمانده نیروی زمینی شخصاً به تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و سپس خواندن دعای فرج آقا امام زمان (عجب) پرداخته و پس از آن مطالب موردبحث مطرح می‌گردید و آنچه در این جلسات کاملاً چشمگیر بود، شور و علاقه زیادی بود که مسئولین سپاه برای افزایش آگاهی‌های نظامی خود نشان می‌دادند.

در جلسات شور ستادی مشترک سپاه و ارتش، برادر رشید علی نور به‌عنوان مسئول عملیات و برادر حسن باقری (شهید) به‌عنوان مسئول اطلاعات سپاه و پاره‌ای اوقات نیز برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه شرکت می‌کردند. از قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب علاوه بر شخص فرمانده نیروی زمینی، سرهنگ ستاد اکبر موسوی قویدل (رئیس رکن ۳ قرارگاه)، سرهنگ ستاد اقبال محمدزاده و سرهنگ ستاد مسعود بختیاری (افسران عملیات) و سرهنگ ستاد عبدالحسین مفید (افسر اطلاعات) در جلسات حضور می‌یافتند. در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۹ جلسه‌ای در اتاق جنگ در اهواز تشکیل شد و فرمانده نیروی زمینی راهنمای طرح‌ریزی خود را به شرح زیر به عناصر ستاد خود ابلاغ کرد:

(۱) اصل بر آن شد که طرح کربلای یک (عملیات در منطقه در بستان) به اجرا درآید.
 (۲) طرح کربلای ۲ (عملیات غرب دزفول - شوش) برای اقدام بعدی آماده شود.
 در تاریخ مذکور فرمانده نیروی زمینی، افسران عملیات و گروه‌های طرح‌ریزی هر دو عملیات کربلای ۱ و کربلای ۲ را که بیشتر از استادان دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش بودند معین کرد و مقرر گردید طرح‌ریزی هر دو عملیات هم‌زمان انجام گیرد:

عناصر اصلی ارتشی طراح عملیات کربلای یک (طریق‌القدس)

(۱) سرهنگ توپخانه ستاد اقبال محمدزاده، افسر عملیات

(۲) سرهنگ توپخانه ستاد مسعود بختیاری، افسر عملیات

(۳) سرهنگ زرهی ستاد علی‌اکبر موسوی قویدل، رئیس رکن ۳ قرارگاه مقدم نزاجا

(۴) سرهنگ پیاده ستاد عبدالحسین مفید رئیس رکن ۲ قرارگاه مقدم نزاجا

(۵) سرهنگ توپخانه ستاد غلامحسین امیر بیگی افسر توپخانه قرارگاه مقدم

(۶) سرهنگ توپخانه ستاد هوشنگ نوایی افسر رابط قرارگاه کربلا

افسر هدایت‌کننده تیم طراحی عملیات طریق‌القدس (در مسیر اورشلیم) در دسامبر ۱۹۸۱، سرهنگ اقبال محمدزاده و با همکاری سرهنگ مسعود بختیاری و هوشنگ نوایی بودند. هدف آنان قطع راه شمالی ارتباطی و پشتیبانی شهر بستان در فصل بارندگی بود.

(E.R.Hooton, Tom Cooper & Farzin Nadimi, 2019, p. 57)

سرتیپ توپخانه ستاد مسعود بختیاری که نقش بسیار مهمی در طراحی و اجرای عملیات بزرگ طریق القدس داشته در مصاحبه اختصاصی می‌گوید: (بختیاری، ۱۴۰۲)

«در سال اول جنگ سپاه پاسداران حضور سازمان‌یافته و منسجمی در جبهه‌ها نداشت و نیروهای مردمی به نام بسیج مستضعفین در اختیار آن نبودند و نیروی‌های شهید چمران هم که به نام ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران خوانده می‌شد، سازمان رزمی جداگانه‌ای بود که تنها در جبهه جنوب و در کنار شهید فلاحی قرار داشت و آنچه را که هم به نام گروه جنگ‌های نامنظم (گمجن) در غرب (کرمانشاه) فعال شده ربطی به سپاه نداشت. در واقع سپاه پاسداران که باهدف جایگزین شدن ارتش به امام (ره) پیشنهاد و مورد موافقت ایشان قرار نگرفته بود، یک نیروی تأمینی و امنیتی بود که جایگزین شهربانی و ژاندارمری می‌شد که البته کمیته‌های انقلاب اسلامی و چند گروه مسلح تازه تشکیل را هم در کنار و یا مقابل خود داشت.

سپاه در سال اول جنگ، از یک سامانه فرماندهی مشترک برخوردار بود و یک شورای ۵ نفره به ریاست منصوری لاریجانی (سفیر بعدی ایران در پاکستان) و ابوشریف، محسن رفیق‌دوست، فروتن و وردی‌نژاد و فرماندهی‌های مستقل در شهرهای مختلف کشور اداره می‌شد.

با شروع تجاوزات مرز عراق و گسترش آن‌ها، پاره‌ای موارد و در نقاط مرزی و پاسگاه‌های خالی ژاندارمری گاهی عناصر سپاهی محلی در مقابل تجاوزات عراق، ظاهراً فعالیت‌هایی داشتند ولی به‌رحال در سال اول جنگ (مهر ۵۹ - مهر ۶۰) فرماندهی و کنترل جبهه‌ها در اختیار نیروی زمینی و باقیمانده ژاندارمری بود اگرچه نمی‌توان حضور داوطلبانه نیروهای سپاهی یا مردمی از شهرهای مختلف کشور به جبهه‌ها را نادیده گرفت.

در سال اول جنگ، سازمانی به نام (ستاد مشترک عملیات ارتش و سپاه در غرب) که توسط شهید صیاد شیرازی و برادر بروجردی و با شرکت دو لشکر ۲۸ و ۶۴ پیاده و سایر نیروهای رزمی و پشتیبانی رزمی از نیروی زمینی در شمال غرب و برای اعاده امنیت در کردستان آذربایجان غربی فعال بود.

در میان شورای ۵ نفره فرماندهی سپاه، در مورد شرکت سپاه در جنگ با عراق اختلاف‌نظر وجود داشت و افرادی مانند ابوشریف، معتقد بودند وظیفه و مأموریت سپاه شرکت در جنگ با یک کشور خارجی نیست، ولی پاره‌ای از فرماندهان محلی سپاه، اعتقاد داشتند حرکت عراق، یک تجاوز به انقلاب اسلامی بوده و وظیفه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شامل مقابله با این تجاوز نظامی نیز می‌شود.

به هرگونه در دفاع از خرمشهر و آبادان، سوسنگرد و غرب اندیمشک، افراد و گروه‌های پراکنده سپاهی شرکت داشتند بدون سازمان متشکل و منظم.

در خردادماه ۱۳۶۰ اولین یگان منظم سپاه که به‌صورت گردان سازمان‌یافته پیاده به فرماندهی برادر سپاهی یحیی رحیم‌صفوی در دارخوین به گردان عراقی متجاوز در جنوب این محل تک کردند و با دادن تلفات سنگین موفق به عقب راندن گردان عراقی شدند (اکثر افراد گردان سپاه را نیروهای مردمی تشکیل می‌دادند). البته توپخانه لشکر ۷۷ و عناصری از این لشکر، گردان آقای صفوی را پشتیبانی می‌کردند.

در ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۰ (بعد از عزل و خروج بنی‌صدر و به شهادت رسیدن دکتر چمران) در یک رأی‌گیری در شورای ۵ نفره فرماندهی سپاه، ابتدا سرهنگ یوسف کلاهدوز به‌عنوان فرمانده کل سپاه انتخاب شد که با عدم قبول نامبرده و رأی‌گیری بدون حضور آقای محسن رضایی مسئول اطلاعات سپاه؛ ایشان به‌عنوان فرمانده کل سپاه انتخاب شد و شورای فرماندهی ۵ نفره منحل شد.

در ۷ مهرماه ۱۳۶۰ عملیات طراحی‌شده ثامن‌الائمه توسط لشکر ۷۷، با شرکت ۱۲ گردان از سپاه پاسداران جمعاً به تعداد ۱۲۰۰ نفر (برابر گزارش مکتوب رحیم صفوی به فل ۷۷) در کنار ۳ تیپ پیاده لشکر ۷۷ در عملیات مزبور شرکت داشتند که برابر طرح عملیاتی موجود، ۴ گردان سپاه در کنترل عملیاتی تیپ‌های سه‌گانه قرار داشتند. البته سرهنگ یوسف کلاهدوز، قائم‌مقام فرمانده سپاه، در پاسگاه فرماندهی لشکر ۷۷ در شادگان حاضر بود که چندان خوش‌آیند سرلشکر ظهیرنژاد نبود.

بعد از سانحه سقوط هواپیمای حامل فرماندهان در هفتم مهرماه ۱۳۶۰ و به شهادت رسیدن تیمسار فلاحتی در شب روز ۹ مهرماه، جلسه‌ای در منزل آقای هاشمی رفسنجانی تشکیل (متشکل از ظهیرنژاد، آقای خامنه‌ای، آقای موسوی اردبیلی و ...) و نهایتاً سرهنگ صیاد شیرازی که در آن زمان مشغول پاک‌سازی سقز و بانه بود، به فرماندهی نیروی زمینی انتخاب گردید و سرلشکر ظهیرنژاد هم به ریاست ستاد ارتش منصوب شد که مخالفت تیمسار ظهیرنژاد با این انتصابات به‌جایی نرسید.

در ۱۰ مهرماه ۶۰ انتصاب شهید صیاد شیرازی به وی ابلاغ گردید که روز بعد به تهران عزیمت و چند روز بعد در قرارگاه فرماندهی نیروی زمینی دزفول (کارخانه لاستیک‌سازی) حضور یافت تا با وضعیت جبهه توجیه گردد و خواستار اجرای عملیات آفندی وسیع علیه متجاوز و آزادسازی مناطق اشغالی در خوزستان گردید.

در جلسه مزبور ضمن ارائه چند طرح عملیاتی، مانند عملیات در جبهه سوسنگرد و یا عملیات در جبهه اندیمشک به نامبرده ارائه گردید که ایشان پذیرش آن‌ها را موکول به بررسی بیشتر کرد و به تهران بازگشت.

مشکل عمده نیروی زمینی در این زمان، کمبود نیروی مانوری برای اجرای عملیات آفندی بود و برای آفند، نیروی زمینی در واقع می‌بایست از نیروهای مستقر در مواضع پدافندی استفاده کند و به آن‌ها مأموریت آفندی بدهد که چندان منطقی به نظر نمی‌رسید. این مسئله هم به فرمانده جدید اطلاع داده شده و طبق گفته روانشاد سرهنگ یعقوب حسینی معاون عملیاتی فرمانده نزاچا در جنوب، پیشنهاد شده بود که یکی دولشکر پیاده با استفاده از نیروهای احتیاط و داوطلب برای تقویت نیروی زمینی سازمان داده شوند.

فرمانده نیروی زمینی، چند روز بعد پیش‌نویس طرح جزء به جزء جدیدی به شماره ۱۷ از قرارگاه جنوب را دریافت کرد که در آن پیشنهاد شده بود ابتدا یک عملیات آفندی در غرب سوسنگرد اجرا شده و عملیات بعدی در شمال خوزستان و در غرب کرخه باشد. سرهنگ صیاد شیرازی، ضمن پذیرش این راهکار، دستور داد قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب سریعاً به منطقه اهواز تغییر مکان داده شود. ضمناً تقریباً تمامی اعضای قرارگاه مزبور را که افسران کارآموده بودند تعویض کرد و افراد جدید را جایگزین کرد. قرارگاه جدید در نیمه دوم مهرماه به زرگان (محل ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران) و همچنین به کارخانه نورد فولاد نقل مکان کرد.

در اواخر مهرماه (روزهای ۲۰ یا ۲۱) فرمانده جدید نیروی زمینی به این قرارگاه آمد و مجدداً طرح‌های عملیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که در نهایت برای اجرای عملیات جدید و گسترده در خوزستان، منطقه غرب سوسنگرد باهدف تصرف بستان به منظور ایجاد یک شکاف در جبهه به هم‌پیوسته دشمن در خوزستان و تجزیه آن، به ایشان پیشنهاد شد که مورد قبول قرار گرفته و دستور اجرای آن به فرماندهی لشکر ۱۶ زرهی صادر گردید. در این جلسه فرمانده نیروی زمینی اعلام کرد ستاد نگران کمبود نیروهای مانوری نباشد و از نیروهای مردمی و سپاهی به هراندازه که مورد نیاز باشد تأمین می‌گردد و ضمناً عملیات از این به بعد با استفاده بیشتر از نیروهای مردمی خواهد بود.

لشکر ۱۶ زرهی چند روز بعد طرح عملیاتی خود را بانام (ولی‌اله) به احترام شهید فلاحی تهیه و ارسال نمود که شهید صیاد اعلام کرد طرح مزبور در جلسه شور ستادی مشترک با سپاه در محل قرارگاه نیروی زمینی (کارخانه فولاد) بررسی گردد. جلسه مزبور در ۵ آبان ماه ۱۳۶۰ تشکیل گردید که شخص فرمانده نیروی زمینی، سرهنگ موسوی قویدل ر ۳ و سرهنگ مفید ۱۲ قرارگاه و این‌جانب و سرهنگ اقبال محمدرزاده و به‌عنوان افسران عملیات در آن شرکت داشتیم و از سپاه آقای محسن رضایی، رحیم صفوی، رشید و حسن باقری شرکت داشتند.

شهید صیاد، طرح نیروی زمینی (ولی‌اله) را ارائه که مورد قبول قرار گرفت. ضمناً شهید حسن باقری با توجه به در پیش بودن ماه محرم به‌جای (ولی‌اله) نام کربلا را پیشنهاد کرد که بلافاصله مورد قبول شهید صیاد قرار گرفت و اضافه کرد برای بیرون راندن متجاوز ۱۲ طرح پیش‌بینی می‌کنیم که سه‌تای اول در اولویت قرار می‌گیرند. طرح کربلای ۱ برای آزادسازی بستان، طرح کربلای ۲ برای عملیات در غرب کرخه و عملیات کربلای ۳ برای عملیات در جنوب خوزستان و آزادسازی خرمشهر.

در پایان جلسه ایشان اعلام کرد از این به بعد طرح‌های عملیاتی مزبور از لحظه آغاز طرح‌ریزی تا اجرا و پایان آن با مشارکت کامل ارتش و سپاه خواهد بود و این عمل را ترکیب مقدس خواند.

من این واژه یا صفت ترکیب مقدس را برای اولین بار در این زمان و مکان از ایشان شنیدم که بعدها به‌کرات در گفته‌های خود بکار بردند.»

با توجه به پاره‌ای تردیدها از نحوه همکاری و مشارکت ارتش و سپاه در عملیات به نحوی که سپهبد شهید صیاد شیرازی تدبیر و بیان کرده و احتمال تقلیل شانس پیروزی در عملیات با توجه به اختلافات و تعارضات مشهود در این دو سازمان، شهید صیاد شیرازی با ابداع، ارائه و وضع نظریه «ترکیب مقدس» به آن پاسخ داد و در واقع نوعی سازماندهی و همکاری بدیع و تازه‌ای را بنیان نهاد که سازمان رزمی مشترک ارتش و سپاه را بر مبنای همدلی و همفکری و وحدت عمیق و راستینی بنا می‌کرد که علاوه بر لحاظ کردن اصول فرماندهی نظامی، بر اعتقادات مذهبی و مکتبی نیز استوار بود.

موفقیت‌های حاصل از عملیات انجام شده در سال دوم جنگ، مهر تاییدی بر اثبات و صحت این نظریه نهاد، گرچه شوربختانه طولی نکشید که تکروری‌ها، تعصبات

سازمان گرایانه، جاه طلبی‌ها و مانع تراشی‌ها و چوب‌لای چرخ گذاشتن‌ها این ایده بدیع و نوپا را قبل از بلوغ و تکوین کامل، متزلزل و نابود کرد ولی اصالت این تفکر به قوت خود باقی ماند که یادگاری ماندگار و ارزنده از آن شهید بزرگوار است.

اکنون این سؤال مطرح است که طرح مشارکت کامل ارتش با سپاه از طرح‌ریزی تا اجرا، یک طرح از قبل تعیین شده و بر مبنای یک راهبرد حساب شده بوده و یا اساساً چنین تفکری زاییده ذهن خلاق شهید صیادشیرازی بود؟!

که به باور من یقیناً نظریه ترکیب مقدس بر اساس خواست و اراده سپهبد شهید علی صیاد شیرازی متولد شد و این «ترکیب مقدس» که از عملیات طریق‌القدس (۱۳۶۰) شروع شد، تکامل یافته‌ترین شکل اجرای آن در عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر تبلور یافت و بعد از آن رو به کمرنگ شدن نهاد و نهایتاً در آغاز سال ۱۳۶۵ می‌توان گفت به پایان خود رسید.

اجرا و هدایت عملیات طریق‌القدس

پس از اتمام طرح‌ریزی عملیات در قرارگاه کربلا که بر مبنای رعایت کامل اعمال فرماندهی و ستاد انجام پذیرفت، سرانجام عملیات (طرح کربلا) با نام عملیات طریق‌القدس در ۳۰ دقیقه بامداد روز یکشنبه ۱۳۶۰/۰۹/۰۸ آغاز شد.

در این عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر سربازان دشمن مستقر در مواضع بسیار مستحکم پدافندی دشمن در غرب سوسنگرد و شرق و شمال بستان یورش برده و با اجرای متهورانه و توأم با ایثار یک مانور احاطه‌ای که به طرز بسیار ماهرانه‌ای با استفاده از زمین‌های رملی جناح شمالی دشمن طراحی شده بود، موفق شدند ضمن آزادئسازی کامل بستان در روز اول نبرد، بخش شمالی منطقه عملیاتی را از وجود متجاوز پاکسازی نموده و در ادامه نبرد در روزهای بعد بخش جنوبی منطقه در شمال رودخانه نیسان را تصرف و پاتک‌های سنگین دشمن را نیز دفع و به طور کامل اهداف طرح‌ریزی شده را تأمین و بر تنگه چذابه در معبرالعماره، بستان، سوسنگرد مسلط شوند و متجاوز با برجای گذاشتن بسیاری از تجهیزات سنگین رزمی مانند توپ، تانک، خودرو و تعداد کثیری کشته و مجروح و اسیر ناچار گردید منطقه اشغالی را واگذار نماید.

مهمترین دستاورد تاکتیکی این عملیات برای جمهوری اسلامی ایران علاوه بر انهدام سنگین انسانی و تجهیزات دشمن، آزادسازی حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع از اشغال و آزادسازی شهر مرزی بستان بود، دست‌آورد عملیاتی و راهبردی این عملیات، تجزیه منطقه اشغالی دشمن در استان خوزستان از وسط و قطع ارتباط بخش شمالی و جنوبی جبهه دشمن از نظر جابجایی نیرو و امور تدارکاتی بود که سبب ایجاد اشکال و اختلال برای تحرکات دشمن در این منطقه شد.

این فتح‌الفتوح ثمره «ترکیب مقدس» بود. (حسینی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۳)

منابع

- بختیاری، م. و. زمانی. ح. (۱۴۰۲)، ترکیب مقدس، ۸-۲۷.
- حسینی‌سعدی، ح. (۱۳۹۹). ارتش در دفاع مقدس (سال دوم) آفند متقابل-شکست متجاوز (۱). تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد.
- حسینی، س. ی. (۱۳۸۱). هشت سال دفاع مقدس. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- راستاد، میثم؛ سیدصباح موسوی. (۱۳۹۸). ۴۲۷ روز اشغال. ماهنامه فکه.
- رفسنجانی، ا. ه. (۱۳۷۸). عبور از بحران. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- عساکره، ج. (۱۳۹۸، آذرماه). فتح‌الفتوح دفاع مقدس. ماهنامه فرهنگی و هنری سرو.
- E.R.Hooton, Tom Cooper & Farzin Nadimi. (2019). the Iran-Iraq war. Warwick, England: Helion & Company.